



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: اعظم کم‌گویان | ۱۳۸۴ - ۱۴ ژوئن ۲۰۰۵
www.hekmatist.com

جمهوری اسلامی منشاء فاشیسم است برای مبارزه با فاشیسم باید جمهوری اسلامی را سرنگون کرد انتخابات بعد از جمهوری اسلامی

نتیجه دور اول انتخابات جمهوری اسلامی مجال داده که بار دیگر پادوان سیاسی جمهوری اسلامی در یک صف واحد دور رفسنجانی جمع شوند. این صف بندی جدید در سیاست ایران برای مقابله با فاشیسم نیست برای کشاندن مردم به زیر کنترل بخشی دیگری از جمهوری اسلامی است. منشا فاشیسم جمهوری اسلامی است، تا وقتی جمهوری اسلامی بناید اجازه داد پرده دوم هست خطر فاشیسم هست. هرکس که بخواهد با فاشیسم مقابله کند باید سپاه پاسداران را منحل کند، وزارت اطلاعات را منحل کند، سران جمهوری اسلامی را دستگیر کند، حوزه های علمیه را تعطیل کند، مردم را مسلح کند و آزادی بیان و تشکل را تضمین کند، دستگاه دولت جمهوری اسلامی و دار و دسته های اسلامی را درهم بکوبد، منشور سرنگونی جمهوری اسلامی را بعنوان قانون اعلام و اجرا کند.

بناید اجازه داد پرده دوم نمایش انتخاباتی جمهوری اسلامی به محمل تحمیق مردم زیر پرچم راست تبدیل شود.

انتخابات بی انتخابات، انتخاب مردم بعد از بساط انتخابات رژیم را باید بر سرش خراب کرد.

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد آزادی و برابری زنده باد سوسیالیسم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ۲۰ ژوئن ۲۰۰۵

انتخابات بی انتخابات انتخابات بعد از جمهوری اسلامی



koorosh.modarrei@gmail.com

کوروش مدرسی

این پیام مردم ایران به جمهوری اسلامی بود. اگر فضای بشدت پلیسی و نظامی که جمهوری اسلامی بر شهر های ایران حاکم کرده بود بسیاری از حوزه های رای گیری را از تعرض مردم مصون میداشت، اگر خاموشی کامل اینترنتی و خبری توسط رژیم مانع انتقال سریع اخبار میشد، اما مردم ایران در این مضحکه نه بزرگ دیگری به جمهوری اسلامی تحویل دادند. مردم ایران آنجا که توانستند حوزه های انتخابات را بهم زدند و آنجا که نتوانستند بساط رژیم را سوت و کور کردند. مردم اعلام کردند که تا جمهوری اسلامی بر سر کار است انتخابات بی انتخابات و انتخابات بعد از جمهوری اسلامی مربوط است.

اما در بسیاری از شهر های اروپا جمهوری اسلامی اما آن حفاظ کامل را نداشت، اعتراض کنندگان علیه این صدای خود را به گوش



Iraj.farzad@gmail.com

ایرج فرزاد

یعنی کسی که به اعتراف همین مدافعان سینه چاک فعلی اش، خود شخصا نیز یک پا فاشیست تشریف داشته است. و البته آنگاه که حرمت خاک سرچشمه هنر میشود، مثل همه موارد تاریخ میتوان در پشت متعصب ترین عنصری که تاریخی از جنایات هولناک را علیه ساکنین آن خاک

ناسیونالیسم پشت سر یک فاشیست اسلامی

ای ایران، ای مرز پر گهر!

منظره "انتخابات" در دوره دوم خیلی دیدنی است. معین از خطر فاشیسم حرف زده است و کروی در مقابل رهبر، یک پا شورشی از آب درآمده است. از تقلب و بی توجهی به رای مردم حرف میزنند و کل طیفی که در دور اول یکسر پشت سر سیاست تحریم بسیج شده بودند، در فاز دوم نمیدانند چگونه عرق شرمندگی خود را در برابر علم شدن رفسنجانی به عنوان کاندید عبور دادن میهن عزیز از بحران از صورتهایشان پاک کنند. مسابقه ای در توابیت بین اینها راه افتاده است و همگی در برابر "راه توده" که انصافا

هیچ لحظه ای علیه رژیم میهن ملی اسلامی و راه امام اش، حتی آنگاه که خفت اش هم داده اند، قدمی در "کج راه" برنداشته و سخنی نگفته است، دلیل و درمانده زانوی غم بغل گرفته اند. ظاهرا بحث از خطر فاشیسم و تهدیداتی است که در دواتر حول و حوش احمدی نژاد، متوجه خاک پاک و زر خیز مرز پرگهر شده است. خلیجها و از جمله فرزندان برخی آیات عظام و فلان پرفسور ایرانی مقیم آمریکا، "گزینه" رفسنجانی را تنها راه عبور دادن خطر "فاشیسم" دیده اند. و جالب است که بحث از رفسنجانی است!

بر علیه قصاص و حید ۱۴ ساله و ناقص العضو کردن او اعتراض کنید!

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی و برابری
زنده باد سوسیالیسم
۱۷ ژوئن ۲۰۰۵ - ۲۷ خرداد

در رابطه با آخرین دُرفشانی های رهبری جدید
حزب کمونیست کارگری

نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست بر گزار شد

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

تمامی نق زندهای نیمه سکولار پیشین خود را درز میگیرد. این ناسیونالیسم جهان سومی، در جوهر خود در تقابل با نسل جوانی است که مشغله ها و انتظاراتش مرز سکون و خفقان خونین را برسمیت نمی شناسد و قلب اش، سرگرمیهایش و علائقش با جوان شورشی و مخالف نظم در جهان غرب همراه است.

و قلب سوسیالیسم که به جایگاه حرمت انسان، رفاه و سعادت و شادی و آزادی آنها، و جایگاه حق مدنی شهروندان همواره تاکید داشته است، برعکس، در آنجائی می طپد که نه خاک و مرز، و نه بنای میهن بر خشت جان انسان، که تلاش برای بهتر زیستن و برابر و مرفه زیستن و روح تعاون و همبستگی در متن زندگی روزانه و در رویاهای میلیونها انسان در آرزوی خوشبختی جریان دارد. سوسیالیسم در تحرک مردم و گرفتن ابتکار عمل در صحنه سیاست توسط کارگران، جنبش برابری طلبی زنان و حرکت رهایی فرهنگی جوانان، ترمیم و بازسازی دیوارهای اختناق ترک خورده اسلام سیاسی را نا ممکن میکند و عرض اندام ناسیونالیسم در مقام ناجی و حافظ منافع سرمایه بر متن بحران رژیم اسلامی را سد میکند.

در برابر عزم ناسیونالیسم چپ و راست ایرانی مولفه حول یک عنصر فاشیسم اسلامی، سوسیالیسم و مبارزه برای برهم زدن رویای بنای باز سازی سرمایه ملی اسلامی تنها راه گذر دادن جامعه ایران از بحران و بن بست کنونی است.

حول منشور سرنگونی رژیم اسلامی و حول حزب مدافع انسانیت و حق جهانشمول شهروندان ایرانی، و به گرد پرچم مدنیت مدرن و پیشرو، حول حزب حکمتیستها متحد شوید.



حق شهروندی است. ناسیونالیسم در دورانهای بحران، همین است که هست، توجیه گرش میشود راه توده ناجی اش، یک عنصر مثل رفسنجانی که رکورد جنایاتی که شخصا نیز علیه شهروندان جامعه ایران طی بیش از یک ربع قرن از خود بجا گذاشته است، فقط قابل مقایسه با سازندگان آشوبس های فاشیسم است. این ماهیت واقعی و کنه محتوای ناسیونالیسم و خاک و سرزمین و سرمایه و پول پرستی، از جمله ناسیونالیسم ایرانی، و انواع راست و اولترا راست آن و نیز نوع [چپ] راه توده آن است. توجیه و ریسمان وحدت اینها حول رفسنجانی، کمک به عبور از بحران روابط آمریکا با جمهوری اسلامی و دور زدن "مخاطره" دخالت برای تغییر رژیم به هر حال "خودمان" توسط دولتهای "بیگانه" است. هرچه باشد رژیم اسلامی، رژیم خودی اینهاست. ناسیونالیسم ایرانی در ضعف و تشتت رژیم اسلامی و در یکی از بزرگترین بحرانهای ایدئولوژیک اسلام سیاسی، پانیک کرده است و خطر فروپاشی "تمدن" خود را در بطن بحران سیاسی اسلام سیاسی نهفته دیده است. اینجاست که نسیم تغییر و دورنمای تلاطم اجتماعی و تحرک مردم در صحنه سیاست آن را بیشتر به محافظه کاری و سازش و ماشاات با استبداد و ارتجاع سیاسی سوق میدهد. فرهنگ و ادبیات ناسیونالیسم از "جهان سوم"، انزواگری و گذشته پرستی و شرق و اسلام زدگی و نفرت از "تهاجم" مدنیت غرب و پناه بردن به محافظه کاری در برابر تغییر و امواج مدرنیسم جوامع پیشرفته صنعتی و شهری است. این گرایش در شرایطی که "بیم" میرود مردم راسا به صحنه وارد شوند، به نحو اعجاب آوری پشت به ارتجاع مینندد و

بنا و بازسازی میهن از خشت جان ملت و وسواس و محافظه کاری و دقت ریاضی در سرنوشت هر ریال از پول و سرمایه ملت پرستان و خاک پرستان و خو گرفتن به محافظه کاری و "ماندگار" بودن خود تحت هر شرایط خفت بار و خفقان آور است. عالی جنابانی که صف بسته اند و صدای طپش دروغین قلب خود برای سرنوشت مملکت را به این و آن نشان میدهند و داد و هوار میکنند که بروید پشت رفسنجانی، خودشان نمیخواهند و حاضر نیستند تا وقتی تضمینی در حفظ جاه و مقام و صندلی و پول و بهره سرمایه شان نبینند، حتی یک روز تحت حکومت امثال رفسنجانی زندگی کنند. در این میان انصافا راه توده متثنی است. این جریان پای حرفش هم ایستاده است. با ارتجاع اسلامی طی همه این سالها ساخته است و با آن زندگی کرده است، واقعا همراه با امام حاکم میهن خویش، زمان را به کام دیده است و لیستی از قربانیان و شهدا را ردیف میکند که علیرغم بی مهریهای حاکمیت ملی و ضد اجنبی امپریالیستهای جهانخواز، به جان خریده است که بماند. راه توده از این نظر به گردن بقیه احزاب و شعبه های ناسیونالیسم ایرانی حق دارد. و علت دریدگی این جریان در برابر بقیه لشکر خجول و مردد در دفاع بی اما و اگر از خط امام و منفعت حاکمیت ملی همین است. زبان نفرت و کینه توی مکتبی آن علیه کمونیسم منصور حکمت از همینجا مایه میگیرد.

بحران ایدئولوژیک اسلام سیاسی، پانیک ناسیونالیسم ایرانی

اما بحران هویت ایدئولوژیکی اسلام سیاسی و تشتتی که در صف مدافعان رژیم اسلامی روی داده است، در همان حال آخرین مراحل ملت گرایی و ملی گرایی در رابطه با حاکمیت و قوانین مدنی و

کارگری که حتی حقوق معوقه شان را نگرفته اند و برای تشکیل یک سندیکای صنفی باید هزار بدبختی بکشند، چه میشود، جواب میشنود که خوب دوباره وطن را با خشت جان این انسانهای "اصیل و زحمتکش ایرانی" اگر نسازیم، پس چگونه سرمایه ام را و حاصل سالها تحصیلم را به خطر بیاندازم؟

به همین خاطر است که زندگی و شرایط روزانه زندگی مردم، کار و بیکاری و بی تامینی کارگران و شرایط خفت بار و هولناک زندگی کودک، تحقیر و منکوب کردن زنان و وضعیت زندانی و زندانها، شرایط معتادین به مواد مخدر و رواج تن فروشی و در یک کلام آنچه که در بطن تلاش زندگی روبروی شهروند جامعه ایران است، درست در لحظات پیش آمدن مخاطره برای حاکمیت بر مرز و سرزمین، محو میشوند و کلمه ای در این مورد بر زبان و قلم عشاقان سرزمین باستانی جاری نمیشود. بطور عجیب و شگفت آوری می بینید که در سایتها و نوشته ها و مصاحبه های کل این طیف، از همان پرفسور مقیم آمریکا گرفته تا راه توده مطمئن به چشم پوشی برادرانه و اسلامی وزارت اطلاعات و تا هر دگر اندیش نگران سرنوشت میهن، و تا ادبا و شعرای "متعهد"ی که طبع شعر و شوق قلم شان با فقر و عقب ماندگی اصیل و فولکوری گل میکنند، در اینروزها به آن پدیده ای که در خانه های مردم، در خوف و کابوس بیکاری و بی پناهی و بی تامینی مردم، در ناامنی شغلی و اقتصادی در جریان است، مطلقا اشاره ای نمیشود. و این البته سهو نیست، این همان "تعهد" و امساک از دست بردن به منبع خطر برای حفظ حرمت خاک و سرزمین و حاکمیت ملی است. و ناسیونالیسم، یعنی همین هویت وارونه و خرافی، یعنی بی مسئولیتی مطلق در برابر زندگی شهروند و ساختن "ملت" و

شخصا نیز سازمان داده است، بسیج شد و اوراد و افسونهای عشق و فنا در اعجازهای دین و آئین خاک پرستی به اطراف فوت کرد. به همین دلیل است که از "هنرمندان" مملکت گرفته تا دگر اندیش طرفدار رژیم که فعلا تلخی تبعید از میهن را ناچارا زیر نقاب اپوزیسیون از سر خود وا میکنند، و تا برخی از ابواب جمعی بیوتات آیات عظام، آگاهانه و عالمانه چشم بر تاریخ بیش از یک ربع قرن فاشیسم جنون آمیز اسلامی رفسنجانی علیه انسانیت جامعه ایران و بشریت متمدن می بندند. خاک و میهن و ساختن میهن از "خشت جان" کارگر و مردم ایران، که در این مرز پر گهر و تحت حکام آن، سهمش همیشه کار ارزان و بی حقوقی مطلق بوده است، حلقه اتحاد و ائتلاف غیر رسمی اینها شده است.

و مثل همیشه، مساله ناسیونالیسم، و از جمله ناسیونالیسم مرز پر گهر، معضلات "ملت" نیست، خطر سقوط و فروپاشی آن چیزی است که به آن میگویند، حاکمیت "ملی". و حاکمیت ملی یعنی حکومتی که به هر ترتیبی بر آن ملت و خاک حکم میراند. به همین سبب است که جایگاه زندگی انسانهای مقیم آن خاک، بویژه در دورانی که پاسدار مرزها و حکومت خاک به مخاطره می افتد کمترین ارزشی در ناسیونالیسم ندارد. از خود همین پرفسورها که بپرسید، خوب شما که این اندازه نگران رای نیاوردن رفسنجانی هستید، پاشید تشریف ببرید ایران و برای نجات مملکت و حتی همان کاندید محبوب خود قدمی بردارید، فوراً میفرماید اممم، آخه من در آمریکا کرسی استادی دارم، ویلا دارم و بچه هایم کالج میروند و خانم دفترب معاملات ملکی دارم و....و وقتی سوال میکنید که پس تکلیف آن صدها هزار

hekmat.public-archive.net

به سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست به پیوندید!

بر علیه قصاص و حید ۱۴ ساله و ناقص العضو کردن او اعتراض کنید!

طبق خبر روزنامه همشهری (به تاریخ ۹ جون ۲۰۰۵) کودک کارگر ۱۴ ساله ای به نام وحید به دلیل پاشیدن اسید بروی چشم یک پسر هم سن و سال خودش که همکار او بود طبق قوانین اسلامی به قصاص محکوم شده است و قرار است چشم او توسط پزشکی از حدقه درآورده شود! وحید بر سر چند تومان پول با همکارش دعواش شده بود .

قرار است پزشکی را اجیر کنند تا او را بجای استفاده برای درمان انسانها، برای معلوم و ناقص العضو کردن کودکی ۱۴ ساله بکار برند.

قرار است طبق قوانین اسلامی، کودکی را که ارتکاب جرمی شده است بجای تربیت و بازسازی طبق قوانین انسانی و پداگوژیکی، به سلاح خانه ببرند و یکی از اعضای بدنش را درآورند. قرار است بجای رسیدگی به وضعیت این کودک، که در آن سن بجای بازی و شادی و مدرسه رفتن به بازار بیرحم کار فرستاده شده بود تا لقمه نانی درآورد، تنها سرمایه او را که بدن سالمش است را هم از او بگیرند و حواله جامعه خشن و بیرحمی کنند که از صدقه سری حاکمان اسلامی به جهنم بی امنی تبدیل شده است. قرار است بجای تغییر آن وضعیتی که یک کودک ۱۴ ساله را به جان رفیق و همکار هم سن و سال خودش می اندازد تا بر سر چند تومان دست به یقه یکدیگر شوند و حتی اسید به سر هم بپاشند، به شنیعترین و وحشیانه ترین و کثیفترین شکلی قربانیان فقر و نداری را و کودکان بی پناه را مجازات کنند .

بشریت باید در مقابل این جنایت برخیزد. نباید به حاکمان اسلامی در ایران اجازه داد تا در مقابل چشم مردم دنیا چشمان کودکی را از حدقه در بیاورند. هر انسان باوجدانی باید در برابر این جنایت عکس العمل نشان دهد .

به رژیم جمهوری اسلامی ایران اعتراض کنید. به سازمانهای حقوق بشر و دولتها فشار بیاورید تا در مقابل این جنایت بایستند و جلوی جانپان اسلامی را بگیرند. نباید بگذاریم که آنها به وحید ۱۴ ساله چنین دست درازی کنند. سازمانهای حقوق بشر و کودکان در ایران باید به حمایت از وحید ۱۴ ساله به میدان بیایند. وحید باید بداند که حامیان او و کسانی که در مقابل کودک آزاری، جنایت بر علیه کودک

ناهید ریاضی

فعال حقوق کودک و زنان

عضو سازمان اول کودکان

مسئول کمپین نجات ژیل و بختیار ایزدی

تلفن تماس:
۰۰۴۵۴۰۵۴۳۹۹۲

nahid@mal.danbs.dk

www.chiLdrenfirstinter
national.org

در رابطه با آخرین دُرفشانی های رهبری جدید حزب کمونیست کارگری

منصور حکمت بدست میدهد. اما مردم واقعیات را تشخیص میدهند. به عقل مردم اعتماد کنید. مردم این تصاویر را باور نمیکنند: منصور حکمت جلوی دوربین و در اسناد گفت که انجمن مارکس لندن توسط خودش و کورش مدرسی تاسیس شده است و انجمنی مستقل است و به حزب کمونیست کارگری مربوط نیست. اما "میگویند" در خفا گفته است که "باور نکنید" و در "وصیت ماقبل آخر" خود گفته است که علی جوادی حق دارد این انجمن را مصادره کند! منصور حکمت، کسی که بیست و چند سال تلاش کرد نوشته هایش را بدست مردم برساند و از همه خواست که نوشته هایش را منتشر کنند و بدست کارگران و کمونیست ها برسانند، ناگهان در "وصیت آخر" میگوید "باور نکنید" انتشار آثار من "حق انحصاری آذر ماجدی است" و دیگران حق انتشار آن را ندارند.

مردم باور نمیکنند. منصور حکمت همان بود که میگفت و مردم منصور حکمت را از زبان خودش خواهند شناخت. در هیچ فرهنگ سیاسی متمدنی همسر منصور حکمت

به اعتبار رابطه شخصی نمیتواند وارث سیاسی او شود! پشت سر منصور حکمت یک حزب سیاسی، و صفی از فعالین کمونیسم کارگری قرار داشت و این تاریخ مکتوب و علنی و قابل مراجعه است. مروری بر منتخب آثار منصور حکمت تصویر عمومی این تاریخ را نشان میدهد. همسر کسی بودن در هیچ فرهنگ سیاسی مدرنی پُست و موقعیت نیست، آنهم بر اساس "وصیت". این سمت جدیدی است که در تاریخ احزاب کمونیستی بی سابقه است! در حزب کمونیست کارگری این سمت حتما با حقوق ویژه ای همراه است که انحصار "حق تفسیر و انتشار" گفته ها و نوشته های منصور حکمت توسط آذر ماجدی تنها گوشه ای از آن میتواند باشد. در دنیای بیرون از این دایره بسته چنین پُستی فاقد اعتبار است.

تلاش امروز رهبری حزب کمونیست کارگری برای جازدن خود بجای منصور حکمت و کسان دیگری که آن تاریخ را ساختند آشکارتر از آن است که خردیاری در بیرون از دایره

این صوفیان پیدا کند. هرکس که آثار منصور حکمت را ورق بزند متوجه میشود که تنها توجهی که رهبری جدید حزب کمونیست کارگری امروز برای جایگاه کنونی خود میتواند بترشد همان "وصیت ها"، انقلابات ایدئولوژیک، "چهارپایه زیر پای این و آن گذاشتن از جانب منصور حکمت" و لجن پراکنی به گذشته و شخصیت واقعی منصور حکمت و شخصیت های دیگر آن تاریخ است.

نگران نباشید اینها نمی توانند تاریخ و چهره منصور حکمت را عوض کنند. فقط خودشان را افشا میکنند. نباید درگیر این جدال حقیر و غیرسیاسی شد.

تا آنجا که به آثار منصور حکمت مربوط است سیاست ما همان است که اعلام کرده ایم.

"تعهد ما به انتشار آثار منصور حکمت و رساندن آن بدست طبقه کارگر و کمونیستها و همه مردم آزادیخواه بی اما و اگر و غیر قابل بحث است. نه از کسی در این مورد اجازه میگیریم، نه حق تالیفی برای این آثار قائل هستیم و نه برای کسی

نوشته آخر آذر ماجدی تحت عنوان "حق چاپ محفوظ است"، با آن لحن، استدلالات، اتهامات و لجن پراکنی بیش از هر چیز سطح درک سیاسی ایشان و رهبری جدید حزب کمونیست کارگری را نشان میدهد. اگر کسی هنوز متوجه نشده که چرا ما از آن حزب جدا شدیم، امروز با دیدن نوشته آذر ماجدی دیگر متوجه خواهد شد که ما با چه کسانی و با چه قابلیت هائی روبرو بودیم. ما نمیخواستیم و کماکان نمیخواهیم در چنین لجن پراکنی ای به گذشته و امروز کمونیسم کارگری و منصور حکمت شرکت کنیم. این بازارمکاره انقلابات ایدئولوژیک ارزانی خودشان.

از همه دستداران منصور حکمت میخواهیم که با دیدن این فحاشی ها و این فرهنگ نازل سیاسی تحریک به پاسخگوئی نشوند و کماکان متانت خود را حفظ کنند. میدانم که همه شما بیش از هرچیز نگران چهره وارونه ای هستید که امروز رهبری حزب کمونیست کارگری از

کورش مدرسی

۱۷ ژوئن ۲۰۰۵

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست برگزار شد

در روزهای ۲۸ و ۲۹ خرداد برابر با ۱۸ و ۱۹ ژوئن ۲۰۰۵ نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست با شرکت اکثریت اعضاء آن و با حضور کورش مدرسی لیدر حزب و شماری از اعضاء کمیته مرکزی برگزار شد. در ابتدای نشست در میبحث گزارش لیدر حزب و بحث دفتر سیاسی حول آن، رشد و پیشروی سیاسی و سازمانی حزب در دوره گذشته و ناموزونی این پروسه رشد، از زوایای گوناگون و در

در مبحث اوضاع سیاسی، پیامدهای پرده اول نمایش انتخابات جمهوری اسلامی بررسی شد. شکست ایدئولوژیک جمهوری اسلامی زیر فشار جو اعتراضی و ضد اسلامی جامعه و شکاف بزرگی که در پروسه "انتخابات" در بالاترین سطح رژیم ایجاد شده است به بحث و تحلیل گذاشته شد. دفتر سیاسی بر صحت سیاست حزب مبنی بر: انتخاب مردم بعد از جمهوری اسلامی! و بر ضرورت تداوم

در مبحث اوضاع سیاسی، داخل و خارج بررسی شد. در این مبحث بویژه بر اهمیت حیاتی تمرکز در رهبری حزب و تسریع در تامین آن متفقا تاکید شد. بند دیگر دستور نشست موقیعت دفتر سیاسی در رهبری حزب و شیوه های تامین کارائی همه جانبه این ارگان در سیاستگذاری و رهبری حزب به موازات لیدر و هیات دبیران بود. دفتر سیاسی در زمینه شیوه کار خود مقررات و قرارهایی تصویب کرد.

این سیاست روشن و قاطع تاکید گذاشت. بررسی پیامدهای روی کار آمدن هر یک از دو بازیگر پرده دوم انتخابات، تجدید آرایش اپوزیسیون در پی این تحولات و حیاتی بودن تامین و ایفای نقش رهبری حزب حکمتیست بر جنبش سرنگونی مردم و تاکید مجدد بر "منشور سرنگونی جمهوری اسلامی" بعنوان معنای پیروزی مردم در پروسه ساقط کردن رژیم محوره های دیگر این مبحث

بودند. در این نشست، مجموعه ای قرار ارجاعی پلنوم و قرار جدید بررسی و شماری از آنها تصویب شدند.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۱ تیر ۱۳۸۴ - ۲۳ ژوئن ۲۰۰۵

ارزنده ایرج فرزاد در ادیت و انتشار منتخب آثار منصور حکمت صمیمانه قدردانی میکند. دفتر سیاسی همچنین کار بسیار پرارزش خسرو داور در قابل دسترس کردن آثار منصور حکمت برای همگان را عمیقا ارج میگذارد.

قرار در مورد انتشار آثار منصور حکمت

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست قائل

بودن به "حق انحصاری" در ارتباط با انتشار آثار منصور حکمت را ضد کمونیستی و مردود میدانند. این نه فقط حق بلکه همچنین وظیفه همه کمونیستهاست که با تمام نیرو در انتشار آثار منصور حکمت بکوشند. دفتر سیاسی از رهبری حزب حکمتیست میخواهد که با بکارگیری حداکثر توان خود، همه آثار منصور حکمت را با کیفیت مناسب و در اسرع وقت ممکن در دسترس همگان قرار دهد.

نخواهد داشت.

قرار در مورد تمرکز حزب

با توجه به اهمیت حیاتی تمرکز در رهبری حزب، دفتر سیاسی، سیاست متمرکز کردن کامل هیات دبیران از جانب دبیر کمیته مرکزی را تایید میکند و خواستار اجرای سریع این سیاست میباشد.

قرار در مورد قدردانی از ایرج فرزاد و خسرو داور

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست از تلاش

چند قرار مصوب نشست ۱۸-۱۹ ژوئن دفتر سیاسی

قرار در مورد کنگره آزادی عراق

۱- از همه اعضاء و دوستداران حزب میخواهد که سعی کنند که به عضویت کنگره آزادی عراق در آیند،

۲- حزب کمونیست کارگری حکمتیست فعالیت خود در این سازمان را تحت تنظیمات فراکسیون حزب کمونیست کارگری عراق انجام خواهد داد و خود در این سازمان فعالیت مستقلى اعلام میکند که:

پلنوم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ضمن حمایت کامل از کنگره آزادی عراق، درخواست تقاضای عضویت از این سازمان را مورد تصویب قرار میدهد و اعلام میکند که:

جلسات در انجمن مارکس - حکمت لندن

چهار بحث از کورش مدرسی

کمونیست ها و انقلاب:
منشویسم، بلشویسم، لنینیسم و حکمت
شنبه ۱۶ ژوئیه ۲۰۰۵

برخورد کمونیست ها به انقلاب، مارکس و انگلس، سوسیال دموکراسی و انترناسیونال دوم، منشویسم، بلشویسم، لنینیسم، منصور حکمت و بحث دولت در دوره های انقلابی. لنین و دو تاکتیک در انقلاب دمکراتیک. دولت موقت انقلابی و سوسیالیسم. بحث دیکتاتوری دمکراتیک کارگران و دهقانان آیا تزه های

آوریل پذیرش نظرات تروتسکی است؟ چپ ایران - پوپولیسم، تئوری مرحله بندی انقلاب و لیبرالیسم چپ. چپ رادیکال منتقد لنین. برنامه حزب کمونیست و ایده جمهوری دمکراتیک انقلابی. دنیای بهتر و بحث جمهوری دمکراتیک انقلابی. جمع بندی خودبخودی چپ سنتی از لنین و حکمت. کمونیسم کارگری و خصوصیات انقلاب. ناسیونالیسم غمظمت طلب ایرانی در پوشش چپ. نگاهی به معنی سیاسی تحولات درونی حزب کمونیست کارگری و دگردیسی کامل این حزب.

حزب کمونیست کارگری؛ جریانات و تناقضات درونی آن
شنبه ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۵

قانون کمونیسم کارگری، تحولات درونی حزب کمونیست ایران، شکل گیری حزب کمونیست کارگری حزب کمونیست کارگری بستر مشترک حکمتیسم و چپ سنتی. دوره اولیه شکل گیری حزب. تحولات انقلابی در ایران و بازتاب آن در حزب کمونیست کارگری. چپ سنتی و بحث های حزب و قدرت سیاسی، حزب و

جامعه، حزب و شخصیت ها. معنی سیاسی فقدان منصور حکمت، تغییر توازن قوا در حزب. نگاهی به مباحثات درونی حزب کمونیست کارگری، حزب و "شخصیت سیاسی، حزب و" شخصیت ها".

انقلاب ایران و وظایف کمونیست ها
شنبه ۱۳ اوت ۲۰۰۵

موقعیت ابژکتیو طبقات، جنبش های اجتماعی و تحركات سیاسی ایران. آیا انقلابی در راه است؟ معنی پیروزی انقلاب در ایران. سوسیالیسم و انقلاب ایران. جایگاه ویژه جریان حکمتیست. آیا پیروزی کمونیسم در ایران ممکن است؟ نگاهی مجدد به یک

سوال اساسی
چپ و عراق
شنبه ۲۰ اوت ۲۰۰۵

موقیعت سیاسی و اجتماعی در عراق. اشغال آمریکا و اسلام سیاسی، چپ و موقیعت اجتماعی در عراق، موقیعت در کردستان عراق. جایگاه جریانات ناسیونالیست کرد در عراق. موقیعت حزب کمونیست کارگری عراق - مصاف ها، کنگره آزادی عراق، کنگره رفرا ندیم برای استقلال کردستان. ورود برای عموم آزاد است. ساعت و محل جلسات متعاقبا اعلام خواهد شد.

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست بپیوندید!